



مکاتب نوین زبان‌شناسی

یک دوره‌ی فشرده

زکی هموند

ترجمه‌ی سهند الهامی



مکاتب
نوین
زبان‌شناسی
یک دوره‌ی فشرده



مکاتب
نوین
زبان‌شناسی

یک دوره‌ی فشرده

زکی هموند

ترجمه‌ی سهند الهامی



Modern Schools of Linguistic Thought

A Crash Course

Zeki Hamawand

یک دوره‌ی فشرده

تألیف زکی هموند

ترجمه‌ی سهند الهامی

ویرایش: تحریریه‌ی نشرمرکز

حروف چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی: بخش تولید نشرمرکز

طرح جلد: فریبا معزی

چاپ اول ۱۴۰۰، شماره‌ی نشر ۱۳۸۶، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۵۰۹-۷

نشرمرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۸۸۹۷۰۴۶۲-۳ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

www.nashremarkaz.com

Email: info@nashr-e-markaz.com

 [nashremarkaz](https://www.instagram.com/nashremarkaz)

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشرمرکز محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، کتاب الکترونیکی (e-book)،

کتاب صوتی (Audio book) و ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت

مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.



• سرشناسه هموند، زکی. Hamawand, Zeki • عنوان و نام پدیدآور: مکاتب نوین زبان‌شناسی: یک دوره‌ی فشرده /

زکی هموند؛ ترجمه‌ی سهند الهامی • مشخصات ظاهری ۲۱۶ ص. • یادداشت عنوان اصلی: Modern schools of linguistic

thought: a crash course, 2020 • موضوع زبان‌شناسی - فلسفه؛ زبان‌شناسی - تاریخ • شناسه‌ی افزوده الهامی، سهند،

۱۳۶۹-۱، مترجم • رده‌بندی کنگره P ۱۲۱ • رده‌بندی دیویی ۴۱۰/۱ • شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی ۸۶۵۶۲۸۴

نشرمرکز از کاغذ یارانه‌ای استفاده نمی‌کند

یادداشت مترجم یازده

پیش‌گفتار سیزده

فصل ۱: مقدمه ۱

۱.۱ مفاهیم ۱

۱.۲ زبان ۲

۱.۲.۱ زبان چیست؟ ۳

۱.۲.۲ چرا باید زبان را مطالعه کرد؟ ۴

۱.۲.۳ اشکال ۵

۱.۲.۴ ویژگی‌ها ۶

۱.۳ زبان‌شناسی ۷

۱.۳.۱ زبان‌شناسی چیست؟ ۸

۱.۳.۲ چرا باید زبان‌شناسی را مطالعه کرد؟ ۹

۱.۳.۳ محورها ۱۱

۱.۳.۴ مشخصه‌ها ۱۵

۱.۴ خلاصه ۱۶

پرسش‌ها ۱۸

فصل ۲: پارادایم‌های نظری ۱۹

۲.۱ مقدمه ۱۹

۲.۲ پارادایم‌های منشأ محور ۲۱

۲.۲.۱ زبان‌شناسی تطبیقی ۲۱

۲.۲.۲ زبان‌شناسی تاریخی ۲۴

۲۶	۲.۲.۳ مقایسه
۲۷	۲.۳ پارادایم‌های صورت‌محور
۲۸	۲.۳.۱ زبان‌شناسی ساختاری
۳۵	۲.۳.۲ زبان‌شناسی زایشی
۳۸	۲.۳.۳ مقایسه
۳۹	۲.۴ پارادایم‌های معنا‌محور
۴۰	۲.۴.۱ زبان‌شناسی نقش‌گرا
۴۳	۲.۴.۲ زبان‌شناسی شناختی
۴۵	۲.۴.۳ مقایسه
۴۷	۲.۵ خلاصه
۴۹	پرسش‌ها
۵۱	فصل ۳: مدل‌های دستوری
۵۱	۳.۱ مقدمه
۵۲	۳.۱.۱ دستور چیست؟
۵۲	۳.۱.۲ چرا باید دستور را مطالعه کرد؟
۵۳	۳.۲ دستورهای معطوف به قاعده
۵۴	۳.۲.۱ دستور تجویزی
۵۷	۳.۲.۲ دستور توصیفی
۵۹	۳.۲.۳ مقایسه
۶۰	۳.۳ دستورهای معطوف به صورت
۶۰	۳.۳.۱ دستور ساختاری
۶۴	۳.۳.۲ دستور زایشی
۶۷	۳.۳.۳ مقایسه
۶۸	۳.۴ دستورهای معطوف به معنا
۶۹	۳.۴.۱ دستور نقش‌گرا
۷۲	۳.۴.۲ دستور شناختی
۷۴	۳.۴.۳ مقایسه
۷۷	۳.۵ خلاصه
۸۰	پرسش‌ها

۸۱	فصل ۴: حوزه‌های بینارشته‌ای
۸۱	۴.۱ مقدمه
۸۲	۴.۱.۱ حوزه‌ی بینارشته‌ای چیست؟
۸۲	۴.۱.۲ چرا باید حوزه‌های بینارشته‌ای را مطالعه کرد؟
۸۳	۴.۲ بینارشته‌های متمرکز بر سر
۸۳	۴.۲.۱ روان‌زبان‌شناسی
۸۵	۴.۲.۲ عصب‌زبان‌شناسی
۸۷	۴.۲.۳ مقایسه
۸۸	۴.۳ بینارشته‌های متمرکز بر جامعه
۸۹	۴.۳.۱ جامعه‌زبان‌شناسی
۹۴	۴.۳.۲ مردم‌زبان‌شناسی
۹۷	۴.۳.۳ مقایسه
۹۸	۴.۴ بینارشته‌های متمرکز بر سبک
۹۹	۴.۴.۱ زبان‌شناسی ادبی
۱۰۱	۴.۴.۲ زبان‌شناسی حقوقی
۱۰۴	۴.۴.۳ مقایسه
۱۰۴	۴.۵ بینارشته‌های متمرکز بر محیط‌زیست
۱۰۵	۴.۵.۱ ژئوزبان‌شناسی
۱۰۷	۴.۵.۲ بوم‌زبان‌شناسی
۱۰۹	۴.۵.۳ مقایسه
۱۱۰	۴.۶ خلاصه
۱۱۱	پرسش‌ها
۱۱۳	فصل ۵: کاربردهای عملی
۱۱۳	۵.۱ مقدمه
۱۱۴	۵.۱.۱ کاربرد عملی چیست؟
۱۱۴	۵.۱.۲ چرا باید کاربردهای عملی را مطالعه کرد؟
۱۱۵	۵.۲ کاربردهای مربوط به تدریس
۱۱۶	۵.۲.۱ زبان‌شناسی کاربردی
۱۱۹	۵.۲.۲ زبان‌شناسی مقابله‌ای

۱۲۰	۵.۲.۳ مقایسه
۱۲۳	۵.۳ کلبردهای مربوط به متن
۱۲۳	۵.۳.۱ تحلیل گفتمان
۱۲۵	۵.۳.۲ زبان‌شناسی متن
۱۲۷	۵.۳.۳ مقایسه
۱۲۷	۵.۴ کاربردهای مربوط به گفتار
۱۲۸	۵.۴.۱ زبان‌شناسی رشد
۱۲۸	۵.۴.۲ زبان‌شناسی بالینی
۱۲۹	۵.۴.۳ مقایسه
۱۲۹	۵.۵ کلبردهای مربوط به زبان
۱۳۰	۵.۵.۱ زبان‌شناسی میدانی
۱۳۱	۵.۵.۲ زبان‌شناسی مستند
۱۳۱	۵.۵.۳ مقایسه
۱۳۳	۵.۶ خلاصه
۱۳۵	پرسش‌ها
۱۳۷	فصل ۶: روش‌های فنی
۱۳۷	۶.۱ مقدمه
۱۳۸	۶.۱.۱ روش فنی چیست؟
۱۳۸	۶.۱.۲ چرا باید روش‌های فنی را مطالعه کرد؟
۱۳۹	۶.۲ جمع‌آوری داده‌ها
۱۴۰	۶.۲.۱ ششم
۱۴۰	۶.۲.۲ استخراج
۱۴۲	۶.۲.۳ مشاهده
۱۴۳	۶.۲.۴ آزمایش
۱۴۵	۶.۳ زبان‌شناسی پیکره‌ای
۱۴۹	۶.۳.۱ تحلیل کتی پیکره
۱۵۱	۶.۳.۲ تحلیل کیفی پیکره
۱۵۲	۶.۳.۳ مقایسه
۱۵۳	۶.۴ زبان‌شناسی رایانشی

۱۵۵	۶.۴.۱ پردازش گفتار
۱۵۷	۶.۴.۲ پردازش متن
۱۵۸	۶.۵ مقایسه
۱۵۹	۶.۶ خلاصه
۱۶۰	پرسش‌ها
۱۶۱	فصل ۷: نتیجه‌گیری
۱۶۲	۷.۱ محور نظری
۱۶۲	۷.۱.۱ مطالعات رشته‌ای
۱۶۵	۷.۱.۲ مطالعات بینارشته‌ای
۱۶۸	۷.۲ محور عملی
۱۶۹	۷.۲.۱ کاربردهای عملی
۱۷۳	۷.۲.۲ روش‌های فنی
۱۷۵	منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر
۱۸۳	واژه‌نامه: فارسی - انگلیسی
۱۹۱	واژه‌نامه: انگلیسی - فارسی

فهرست جداول

۵۰	جدول ۲.۱ پارادایم‌های نظری زبان‌شناسی
۸۰	جدول ۳.۱ مدل‌های دستوری زبان‌شناسی
۱۱۲	جدول ۴.۱ حوزه‌های بینارشته‌ای زبان‌شناسی
۱۳۶	جدول ۵.۱ کاربردهای عملی زبان‌شناسی
۱۶۰	جدول ۶.۱ روش‌های فنی زبان‌شناسی

یادداشت مترجم

از مشکلات مهم علم وارداتی، معادل‌گذاری برای اصطلاحات است. برای بعضی اصطلاحات زبان‌شناسی معادل‌های گوناگون استفاده شده است و فقط تعدادی هستند که معادل جاافتاده دارند. در میان همین موارد هم نمونه‌هایی هستند که معادل انتخاب‌شده مناسب نیست یا - بدتر - برای چند اصطلاح مختلف معادل یکسانی به کار می‌رود. واضح‌ترین مثال مورد اخیر اصطلاحات structure و construction هستند که برای هر دو معادل «ساخت» استفاده می‌شود، module و domain هم هر دو «حوزه» ترجمه می‌شوند. در این ترجمه، برای structure و مشتقات آن «ساختار» استفاده شده است که دارای پیشینه هم هست و برای domain «قلمرو». البته به‌رغم از دست رفتن یکدستی، در خصوص اصطلاح بسیار متداول «ژرف‌ساخت» و «روساخت» تغییری صورت نگرفته است. در خصوص بعضی اسامی هم همین متداول بودن به درست‌تر بودن ترجیح داده شده است؛ برای مثال نام کوچک چامسکی به همان شکل مرسوم «نوام» ثبت شده است.

بعضی کلمات معادل فارسی دقیقی ندارند؛ به‌عنوان نمونه، ترجمه‌ی subjective به «ذهنی» دقیق نیست و اینجا صورت فرانسوی واژه، «سوبژکتیو»، که در مطالعات فلسفی هم پیشینه دارد، ترجیح داده شده است؛ ضمن آنکه «ذهنی» معادل mental است. برای expression معادل «لفظاً» و برای setting معادل «مکان - زمان» به کار رفته است.

نکته‌ی آخر ترجمه‌ی عنوان حوزه‌های بینارشته‌ای است. معادل‌های متداول مثلاً برای psycholinguistics و sociolinguistics به ترتیب «روان‌شناسی زبان» و «جامعه‌شناسی زبان» هستند. که هر دو نامناسب‌اند. روان‌شناسی زبان به وضوح زیرشاخه‌ی روان‌شناسی قرار می‌گیرد و از ظاهر آن این گونه برمی‌آید که زبان را روان‌شناسی می‌کند، جامعه‌شناسی زبان هم به همین ترتیب؛ حال آنکه این دو در واقع زیرمجموعه‌ی زبان‌شناسی هستند و جامعه‌شناسی زبان (sociology of language) اصلاً رشته‌ای مجزا از sociolinguistics است. معادل مناسب‌تر این بینارشته‌ها شاید «زبان‌شناسی روان‌شناختی» یا «زبان‌شناسی جامعه‌شناختی» باشد، اما به دلیل طولانی بودن و جهت دقت بیشتر و نزدیکی به اصطلاح اصلی برای هر واژه از معادلی تک‌کلمه‌ای استفاده شده است: «روان‌زبان‌شناسی»، «جامعه‌زبان‌شناسی»، الخ. تنها در خصوص geolinguistics از آنجایی که «جغرافیا» واژه‌ی ساده است و «زمین» هم به عنوان معادل پیشوند geo - احتمالاً سوء تفاهم (تلقی زمین‌شناسی) ایجاد می‌کرد، معادل «ژئوزبان‌شناسی» به کار رفته است. کاربرد پیشوند فرانسوی «ژئو-» در زبان فارسی در ترکیباتی چون «ژئوفیزیک» سابقه دارد.

پیش گفتار

درسنامه‌ی حاضر شرح کوتاهی است از منازعات زبان‌شناختی میان مکاتب رقیب تفکر زبان‌شناختی؛ به عبارت دیگر، مکاتب زبان‌شناسی غالب در قرن هجدهم به بعد را بررسی می‌کند که متفکران متنوعی ساخته و پرداخته‌اند و پاسخ‌های متفاوتی به مسائل زبانی داده‌اند. در این کتاب درباره‌ی مسائل مربوط به زبان‌شناسی بحث شده است؛ مسائلی چون پارادایم‌های نظری، مدل‌های دستوری، حوزه‌های بینارشته‌ای، کاربردهای عملی و روش‌های فنی. هم‌چنین مکاتبی رقیب معرفی می‌شوند که پیرامون بنیان‌گذاران خود رشد کرده‌اند، کسانی که برای مباحث زبان‌شناختی راه‌حل‌های متفاوتی داشتند و البته هر مکتبی مزایا و معایب خود را دارد. تأکید کتاب بر برجسته‌ترین دستاوردها، کشفیات مهم و یافته‌های بالفعل هر مکتب است. به فرضیات مطرح‌شده توسط عالمان ممتاز این حوزه نیز، که تأثیر ژرفی بر تحلیل زبان داشته‌اند، پرداخته می‌شود. امیدوارم این کتاب با عمق بخشیدن به درک خوانندگان حوزه‌ی زبان‌شناسی از آنچه در مطالعه‌ی زبان صورت گرفته و با گسترش علاقه‌ی آنها به تاریخ زبان‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای مهم از زبان‌شناسی همگانی، نیازهایشان را برآورده کند.

کتاب بر این فرض بنا شده که تاریخ هر علم بر فلسفه‌ی آن تأثیر دارد و رشد یک علم فرایندی خردورزانه قلمداد می‌شود. در پرتو این فرض، این کتاب شکل‌گیری و توسعه‌ی مکاتب گوناگون تفکر زبان‌شناختی را بررسی

می‌کند و برای این منظور، در بررسی خود نظریه را با عمل پیوند می‌دهد. بنابراین کتاب دو هدف دارد: هدفِ نظری، یعنی آشناسازی دانشجویان با نظریه‌های زبان‌شناسی با تمرکز بر مجموعه اصولی که برای تحلیل کارای ساختار زبانی ارائه می‌کنند؛ هدف عملی، یعنی آشناسازی دانشجویان با سازوکارهایی که در تحلیل ساختارهای زبانی به کار می‌روند و مطلع کردن آنها از فنون لازم برای تبیین تفسیرشان. هدف نهایی این است که نشان دهیم روش‌هایی که نسل‌های قبلی به کار می‌برده‌اند برای محققان فعلی بسیار سودمنداند و مفاهیمی که آنها طرح کرده‌اند بیشترین اهمیت را دارند.

این درسنامه برای تحقق مأموریت خود از سبکی قابل فهم استفاده می‌کند و اطلاعات را در قالب نکات فشرده می‌کند. مکاتب زبان‌شناسی به ترتیب زمانی ارائه شده‌اند. مخاطبان این کتاب، که کتابی درسی است، دو گروه هستند: اول، دانشجویان گروه‌های زبان‌شناسی که برایشان طراحی کلی از تفکر مکاتب زبان‌شناسی ترسیم می‌کند و در خصوص فرضیات، غایات و روش‌های این مکاتب آگاه‌ترشان می‌کند. مخاطب دوم دانشجویان گروه‌های زبان انگلیسی هستند که به آنها کمک می‌کند فهمشان از نقش زبان‌شناسی در بررسی زبان انسان را عمق بخشند. به‌عنوان راهنما نیز این کتاب دو گروه مخاطب دارد: گروه اول زبان‌شناسان هستند که هدف آشناسازی آنها با ابزارهای مختلفی است که هر مکتب زبان‌شناسی برای توضیح ساختار زبان به کار گرفته است. گروه دوم پژوهشگران رشته‌های همجواراند با این هدف که آگاهی‌شان از اهمیت نقش زبان‌شناسی و تعامل آن با دیگر رشته‌ها برای حل مسائل زبانی بالا برود.

این کتاب قرار است به دانشجویان کمک کند به شناخت عمیق علم زبان‌شناسی دست یابند و مسیر رشد تاریخی آن را دنبال کنند. هم‌چنین فهم آنها از اهمیت زبان‌شناسی به‌عنوان یک شاخه‌ی علم را بسط می‌دهد. البته همه‌جا به دانش قبلی زبان‌شناسی نیاز ندارد. باید تعاریف و توضیحاتی را که ارائه می‌شوند نه ملاک‌های سفت‌وسخت، که قواعد کلی تلقی کرد. برای

درک هر بخش یا زیربخش، توصیه می‌شود دانشجویان محتوای آن را به دقت مطالعه کنند، خلاصه‌ای کوتاه از آن تهیه کنند و سپس به سراغ پرسش‌های آخر فصل بروند. این روش دو مقصود دارد: اول توجه را به لب مطلب آن بخش جلب می‌کند و دوم درک مطالب مطرح‌شده را می‌سنبجند. در نهایت، در پایان کتاب منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر گنجانده شده است که باز دو مقصود را دنبال می‌کند: اول قدردانی از آثاری که به هر شکل در بحث حاضر نقش داشته‌اند و دوم فراهم کردن منابع دیگر برای موضوعاتی که در این تحلیل پوشش داده شده‌اند.

برای حداکثر استفاده از این درسنامه و رسیدن به اهداف دوره‌ی تاریخ تفکر زبان‌شناختی، آموزگاران باید نکاتی را در ذهن داشته باشند: اول، این کتاب به‌صورتی سازماندهی شده که به آموزگاران انعطاف لازم در طرح‌ریزی یک دوره‌ی آموزشی برای برآوردن استلزامات تدریس را می‌دهد. آموزگاران آزاداند از کتاب به‌صورتی استفاده کنند که متناسب با سطح/مدت دوره‌ی آموزشیشان باشد. کتاب اساساً برای یک دوره‌ی آموزشی یک‌ترمه شامل ده هفته‌ی آموزشی مناسب است. در این صورت، به آموزگاران پیشنهاد می‌شود هر هفته یک فصل از کتاب را کار کنند. دوم، هر فصل با یک نمای کلی آغاز می‌شود که در آن مبحث، غایات و رویه‌ها ذکر می‌شوند. هدف نمای کلی این است که به دانشجویان کمک کند محتوای هر فصل را پیش از وارد شدن به جزئیات آن درک کنند. هر فصل به بخش‌هایی تقسیم می‌شود و با چند پرسش به اتمام می‌رسد که هدفشان استحکام بخشیدن به مطالب ارائه‌شده و تشویق دانشجویان به بازبینی فهمشان است. سوم، وقتی یک مفهوم برای اولین بار معرفی می‌شود، برای برجسته کردن اهمیتش با حروف سیاه ارائه می‌شود.

این کتاب طرحی موجز از تاریخ نظریه‌ی زبان‌شناسی مدرن در اروپا و آمریکا ارائه می‌کند. در فرایند آماده‌سازی آن، افرادی مستقیم یا غیرمستقیم نقش داشته‌اند. قدردانی بسیار ویژه‌ی نثار زبان‌شناسان زیر برای بازبینی

بخش‌هایی از متن یا در اختیار قرار دادن مطالب مربوطه: لاکلین مکنزی، الیزابت وینکلر، برایان جوزف، آلیسن ری، فردریک نیومایر، جانیت هولمز، ویلیام فولی، جیمز جی، جاناناتان کالپپر، سوزان کوتیس، پیشنس اپس، لوییز کامینگز، سوزان هانستن، چارلز میر، جان هیوسان، آلیستر نات، مارسل دانسی، لزلای جفریز، آندرس هولمبرگ، مالکوم کولتارد، ریچارد هادسن، نانسی ایچ هورنبرگر، نایجل فب، وین فینک، آنتونی وودبری، هاورد جکسن، نیک تیبرگر، دورین اوریتسکو علی‌رغم کمک‌های ایشان، مسئولیت کامل هرگونه خطایی متوجه من است. تشکر ویژه‌ای نیز از کاتی اسکات، ویراستار مسئول پالگریو مک‌میلان، دارم برای نظارت ویرایشی هوشمندانه‌اش. در نهایت از همسرم برای مهربانی، بخشندگی و صبوری‌اش متشکرم.

زکی هموند

دانشگاه کرکوک

کرکوک، عراق

فصل ۱

مقدمه

فصل ۱ با ارائه‌ی تصویری منسجم از دو مفهوم بنیادی — زبان و زبان‌شناسی — موضوع کتاب را معرفی می‌کند. زبان نظامی ارتباطی است متشکل از مجموعه‌ای از آواهای گفتاری، نمادهای نوشتاری و علائم اشاری. زبان‌شناسی مطالعه‌ی علمی زبان انسانی، هم در صورت و هم در معنی، است. این فصل چهار بخش دارد: بخش ۱.۱ دریافتی گسترده از این حوزه و نمایی کلی از دل‌مشغولی‌های اصلی آن ارائه می‌دهد؛ بخش ۱.۲ این پرسش را می‌کاود که زبان چیست، مقاصد این مطالعه را توضیح می‌دهد، شیوه‌هایی را که اتخاذ می‌کند معرفی می‌کند و طرح کلی ویژگی‌های آن را ترسیم می‌کند؛ بخش ۱.۳ توضیح می‌دهد که زبان‌شناسی چیست، منافع مطالعه‌ی آن را نشان می‌دهد، شاخه‌های اصلی‌ای را که پژوهش زبان‌شناختی به آنها تقسیم می‌شود شناسایی می‌کند و خلاصه‌ای از مشخصه‌های علمی آن ارائه می‌کند؛ بخش ۱.۴ چکیده‌ی فصل است.

۱.۱ مفاهیم

زبان موهبتی است که به بشر عطا شده است؛ مهم‌ترین قابلیت انسان و مشخصه‌ای منحصربفرد از هویت اوست. زبان، چه کلامی، چه نوشتاری و چه اشاری، صرفاً راهی برای برقراری ارتباط نیست، بلکه راهی است برای رفع بعضی نیازهای زندگی روزمره.

با گذر زمان، علاقه به زبان باعث پدید آمدن علم زبان‌شناسی شد. زبان‌شناسی، به‌عنوان یک رشته‌ی فکری، مطالعه‌ی توانایی انسان برای تولید و تعبیر زبان در گفتار، نوشتار و اشاره است. همه‌ی زبان‌ها داده‌هایی بالقوه

برای پژوهش زبان‌شناختی هستند. زبان‌شناس کسی است که ساختار زبان را مطالعه می‌کند و اصول حاکم بر کاربردش را شناسایی می‌کند. یکی از جنبه‌های اساسی زبان‌شناسی مربوط به توسعه‌ی آن، نحوه‌ی تطور موضوع و مراحل است که طی آنها توسعه یافته. دانشمندان از صفر شروع نمی‌کنند، بلکه کار را بر مبنای جوانبی از کارهای قبلی آغاز می‌کنند، فارغ از اینکه به جوانب کار فعلی مربوط یا نامربوط باشند. مرحله‌ای که یک نسل به آن می‌رسد نقطه‌ی شروع نسل بعد را فراهم می‌کند. پیشرفت یک علم را نیازهای اجتماعی، مفروضات فکری و مقاصد کاربردی تعیین می‌کنند. پیش از واریسی سیر تحول زبان‌شناسی، توضیح اینکه زبان و زبان‌شناسی چیستند و چرا مطالعه می‌شوند سودمند خواهد بود.

۱.۲ زبان

زبان یک سازگاریِ فرگشتی است. زبان تحول یافته تا با نیازهای فزاینده‌ی انسان برای انتقال اطلاعات از فردی به فرد دیگر تناسب بیابد. در محیط طبیعی خشنی که انسان‌ها تکامل یافته‌اند، زبان گستره و انعطاف بیشتری برای بقا و شکوفایی فراهم آورد. اگرچه منشأ دقیق زبان ناشناخته است، بسیاری از محققان اعتقاد دارند که از صدا زدن‌ها، حرکات یا علائم تکامل یافته است. زبان تبدیل شد به فوق‌العاده‌ترین ابزاری که بشر در اختیار دارد؛ مشخصه‌ای اساسی و متمیز گونه‌ی انسان. توانایی کاربرد زبان به افراد هویت می‌دهد و آنها را انسان می‌کند. زبان احتمالاً بهترین پنجره‌ی دردسترس برای دست یافتن به سازوکار ذهن انسان است.

قابلیت زبان متکی بر کاربرد یک یا چند رمزگان زبانی است که باید آموخته شوند. انعطاف‌پذیری زبان نامحدود است: زبان می‌تواند خاطره‌های گذشته، نیازهای حال و نقشه‌های آینده را توصیف کند. زبان پویاست: طی زمان برای سازگاری با تکامل فرهنگی و اجتماعی یا در واکنش به تماس با دیگر زبان‌ها تغییر می‌کند. شاهد آن این واقعیت است که عناصر واژگانی

جدید ابداع می‌شوند تا تجربیات جدید را توصیف کنند و عناصر واژگانی قدیمی معانی جدید می‌یابند. هر زبانی نظام الگوهای متمایز خود را دارد.

۱.۲.۱ زبان چیست؟

در مفهوم عام، زبان را می‌توان نظامی از عناصر شفاهی یا ترسیمی تعریف کرد که در قالب الفاظ الگومند، مجموعه‌ای از نمادهای گفتاری یا نوشتاری که عمدتاً برای ارتباط استفاده می‌شوند، ترکیب می‌شوند. نمادها برای بیان اندیشه یا تبادل دانش به کار می‌روند. ناشنویان از زبان اشاره استفاده می‌کنند که در آن از مدالیت‌های دیداری - دستی برای انتقال معنا استفاده می‌شود. زبان انسان، به عنوان یک روش ارتباط، به دلیل قابلیتش در کمک به خلاقیت و شکوفایی از طریق آن، با تمام زبان‌های حیوانات دیگر و زبان‌های مصنوعی متفاوت است؛ با دیگر روش‌های ارتباط چون حالات صورت و ایما و اشاره نیز متفاوت است چرا که شامل ترکیب عناصر دلبخواهی است، یعنی معنی را از طریق اجزاء بی معنی خلق می‌کند. زبان واقعی اجتماعی است، محصول کنش جمعی؛ تولید جامعه. اما واقعی ذهنی نیز هست که در مغز وجود دارد. زبان نظامی است که در آن عناصر متقابلاً با هم در ارتباط‌اند و به اشکال معنادار تعامل دارند؛ مجموعه‌ای قواعد دارد که بر ساختار، معنی و کاربرد آن حاکم‌اند که گویشور را قادر می‌سازند پاره گفته‌های معنادار و دستوری تولید کنند.

زبان در طبیعت خود ذاتاً نمادین است. هر لفظ زبانی را می‌توان پیکری سه سویه دانست: ساختاری واجی که صورت آن است؛ ساختاری معنایی که معنای آن است و ساختاری نمادین که پیوند میان آن دوست. به بیان دیگر، یک لفظ را می‌توان سکه‌ای دانست که دو روی صورت و معنی دارد که با ساختار نمادین به هم پیوند می‌یابند. معنی با استفاده از ترکیبی از اصوات، حروف و حرکات به صورت نمادین عرضه می‌شود. در تولید و تعبیر الفاظ، بافت نیز به همان اندازه اهمیت دارد. بافت موقعیتی است که لفظ یا بخش‌هایی از گفتمان، که پیرامون آن هستند، در آن بیان می‌شود. تنها در

یک بافت خاص است که یک لفظ می‌تواند معنای مورد نظر گوینده را انتقال دهد و به شنونده بفهماند که کدام تعبیر صحیح است؛ یعنی برای فهمیدن معنای مورد نظر گوینده، شنونده باید بافتی را که لفظ در آن آمده است در نظر بگیرد. بدون توجه به این بافت، نمی‌توان درک کرد زبان چه‌طور کار می‌کند. شاخه‌ای از زبان‌شناسی که با بافت‌هایی سروکار دارد که زبان در آنها به کار می‌رود، کاربردشناسی نامیده می‌شود.

۱.۲.۲ چرا باید زبان را مطالعه کرد؟

زبان در زندگی انسان نقشی اساسی ایفا می‌کند. مطالعه‌ی آن به این دلیل است که برای برآوردن مقاصدی خاص به کار می‌رود.

۱. زبان را می‌توان آینه‌ی ذهن دانست. زبان عنصری اساسی از ذات انسانی است، جزئی ضروری از ذهن انسان که مشخصه‌های قابلیت فکری انسان و خلاقیت طبیعی گویسورانش را بازتاب می‌دهد. ساختارهای زبانی‌ای که برای توصیف یک موقعیت به کار می‌روند آینه‌ی وضع ذهنی گویسوراند.

۲. زبان را می‌توان اسباب پیوند و آینه‌ی اجتماع دانست. زبان دریچه‌ای است که از آن جهان را می‌بینیم و درک می‌کنیم. زبان را، با تنوع غنی‌اش، می‌توان بازتاب‌دهنده‌ی گوناگونی یک جامعه یا محلیت متمایز یک فرهنگ دانست. زبان پنجره‌هایی گرانبها به روی ارزش‌ها و نگرش‌های یک جامعه‌ی زبانی باز می‌کند.

۳. زبان یک نظام ارتباطی منسجم درون هر جامعه است که افکار، هیجانات، احساسات و امیال را بیان می‌کند. زبان وسیله‌ی بسیار مهم برقراری و حفظ روابط با دیگر افراد است و، بنابراین، برای ساختن یک ملت ضروری است و در جامعه‌ای چندفرهنگی نقش ابزاری وحدت بخش پیدا می‌کند.

۴. زبان را می‌توان هم برای انتقال اطلاعات و هم برای بیان نگرش به کار برد. برای مثال، از جملاتِ اخباری برای دادن اطلاعات استفاده می‌شود. این جملات به افراد اجازه می‌دهند منظور خود را برسانند و آرای خود را بیان کنند. برای مثال، جملات عاطفی برای بیان هیجانات به کار می‌روند و به افراد اجازه می‌دهند واکنش‌های هیجانی خود را بروز دهند.

۵. از زبان، نه تنها برای درخواست اطلاعات، که برای فراخوان به عمل نیز می‌توان استفاده کرد. جملات پرسشی برای کسب اطلاعات به کار می‌روند. با استفاده از این جملات، گویشور از شنونده می‌خواهد در مورد چیزی اطلاعات دهد. جملات امری برای دستور دادن استفاده می‌شوند. با استفاده از این جملات، گویشور شنونده را به انجام کاری وامی‌دارد.

۱.۲.۳ اشکال

زبان به سه شکل ظاهر می‌شود: نوشتار، گفتار، علامت. زبان اشاره از حوزه‌ی مطالعه‌ی حاضر خارج است. نوشتار و گفتار با هم مرتبط‌اند، اما به وضوح تفاوت دارند:

۱. نوشتار نیازمند تعلیم و تمرین نظام‌مند است؛ پس هر کسی قادر به نوشتن نیست. گفتار بدون تعلیم نظام‌مند فراگرفته می‌شود؛ در شرایط عادی همه آن را فرامی‌گیرند. انسان‌ها طی دو سال اول عمرشان شروع به صحبت می‌کنند. یادگیری نوشتن متکی به توانایی ازپیش موجود فرد برای صحبت کردن است.

۲. نوشتار شامل ساختارهایی پیچیده‌تر از گفتار است. بنابراین، معمولاً فرض را بر این می‌گذاریم که یادگیری زبان نوشتاری سخت‌تر است. گفتار متشکل از ساختارهای ساده‌تری است شامل کاربرد آوا (زیرویمی، ریتم، تکیه، آهنگ) و حرکات برای بیان معنا.

۳. نوشتار طی سالیان کندتر از گفتار تغییر می‌کند؛ یعنی شکلی پایاتر است. تولید نوشتار زمان بیشتری می‌طلبد، گفتار گذراتر و نوسان‌دارتر است و

دستخوش تغییر مداوم. گفتار در زمان واقعی تولید می‌شود و گویشور می‌تواند در همان زمان واقعی با ادامه‌ی سخن اصلاحش کند.

۴. نوشتار اغلب برنامه‌ریزی شده است و واکنش بلافصلی از خواننده‌ها دریافت نمی‌کند. گفتار اغلب خودانگیخته است و واکنش بلافصل شنونده‌ها را دریافت می‌کند. گفتار معمولاً تعاملی پویا بین دو یا چند نفر است و از نوشتار شایع‌تر است.

۵. نوشتار شکلی استاندارد دارد، شکل غیرمنطقه‌ای زبان که در سرتاسر یک کشور استفاده می‌شود. گفتار تنوع گویشی دارد که نمایانگر مناطق جغرافیایی و گروه‌های اجتماعی است. از نوشتار عموماً سبک رسمی به ذهن می‌آید، درحالی‌که گفتار معمولاً به سبک خودمانی است.

۱.۲.۴ ویژگی‌ها

زبان‌های انسانی پنج ویژگی کلیدی مشترک دارند که آنها را از دیگر صورت‌های ارتباط جدا می‌کند:

۱. دلبخواهی بودن: صورت‌های زبانی با پدیده‌های فیزیکی جهان که به آنها ارجاع می‌دهند تناظر ندارند. تقریباً هرگز تناظری میان اصوات کلام و شیئی که به جای آن قرار گرفته‌اند وجود ندارد. رابطه‌ی میان یک کلمه و مرجع آن تقریباً همیشه دلبخواهی است و بر تصادف استوار است نه طرح‌ریزی. برای مثال، در کلمه‌ی جعبه هیچ چیز نیست که صداهای مرتبط با شیء موردنظر را تقلید کند. استثنای این مسأله الفاظ نام‌آوایی چون نُحْرُخِر، قِیْزْقِیْز، چک‌چک و غیره است که صداهایی را که به آنها ارجاع می‌دهند تقلید می‌کنند.

۲. انتقال‌پذیری: زبان انسان سه تجلی بنیادی دارد: گفتار، نوشتار و علامت. گفتار شامل استفاده از صداها است که براساس الگوهای معین چیده شده‌اند. نوشتار شامل کاربرد نمادهایی خاص برای صداهای گفتار است.

می‌توان زبان گفتاری را نوشت و نوشته‌ای را بلند خواند. زبان اشاره شامل استفاده از حرکت‌های بصری برای انتقال معنی است. سه صورت زبان در کارکرد ارتباطی‌شان، برای بیان آرا اهمیت ی یکسان دارند.

۳. دوگانگی: زبان در دو سطح الگودهی سامان می‌یابد. در سطح پایین‌تر، زبان شامل واحدهای کوچک‌تر به نام واج است، برای مثال /m/، /i/ و /z/. در سطح بالاتر، این واج‌ها با هم ترکیب می‌شوند تا واحدهایی بزرگ‌تر به نام تکواژ را ایجاد کنند. این تکواژها، برای مثال میز، حامل معنا هستند. این دو سطح ساختاری ترکیب نامیده می‌شوند: به ترتیب، ثانویه و اولیه. دوگانگی تولید توالی‌های زبانی معنی‌داری را ممکن می‌سازد که به لحاظ تعداد بالقوه تقریباً بی‌نهایت‌اند.

۴. جابه‌جایی: زبان این قابلیت را به ما می‌دهد که از چیزها یا رویدادهایی صحبت کنیم که در مکان و زمان سخن گفتن حضور ندارند. به بیان دیگر، از زبان می‌توان برای ارجاع به چیزها یا رویدادهایی استفاده کرد که جایی غیر از موقعیت بلافصل گوینده حضور دارند. دلیل این مسأله این است که زبان انسان قادر است از چیزهایی و رای اینجا و اکنون سخن بگوید. این نشان می‌دهد که کلمات با یا بدون پشتوانه‌ی بصری هم‌چنان معتبراند. مثال واضح آن توانایی انسان برای ارجاع به زمان گذشته و آینده از طریق فعل‌های کمکی و وندها است.

۵. خلاقیت: انسان‌ها قادرند برای توصیف موقعیت‌های جدید، با دستکاری منابع زبانی‌ای که در اختیار دارند، الفاظ جدید خلق کنند. زبان این قدرت را به انسان‌ها می‌دهد که با استفاده از چند قاعده‌ی پایه تعداد زیادی لفظ تولید کنند. طول یا تعداد لفظ‌هایی که یک گوینده می‌تواند تولید کند هیچ محدودیت دستوری‌ای ندارد. برای مثال، هر اسمی را همواره می‌توان با صفتی دیگر توصیف کرد؛ مثلاً خانه‌ی کوچک، خانه‌ی کوچک تمیز، خانه‌ی کوچک تمیز دو خوابه، الخ.

۱.۳ زبان‌شناسی

علم فعالیتی فکری است که هدفش کشف نحوه‌ی عملکرد چیزها با استفاده از روش‌های علمی است. روش علمی فرایندی — مجموعه فنونی — است برای کندوکاو در پدیده‌ها، کسب دانش، و تصحیح دانش قبلی؛ روشی نظام‌مند برای آموختن درباره‌ی جهان و کشف اینکه چیزها در جهان چه‌طور کار می‌کنند. زبان‌شناسی، به‌عنوان علم، زبان بشر را مطالعه می‌کند و مانند دیگر علوم روش‌های علمی به کار می‌گیرد. روش علمی در زبان‌شناسی با سلسله گام‌هایی جلو می‌رود، از جمله شناسایی یک مسأله‌ی زبانی، تدوین یک فرضیه، مرور پیشینه‌ی تحقیق، جمع‌آوری داده‌های مربوطه، تحلیل این داده‌ها، آزمودن فرضیه، نتیجه‌گیری کردن و انتقال نتایج. روش علمی مهم است، چراکه برای رسیدن به ارزیابی عینی به شواهد متکی است. برخلاف دیگر روش‌های کسب دانش، این روش برای آشکارسازی حقیقت به آزمون‌های تجربی متکی است و تلاش دارد تأثیر دیدگاه‌های شخصی دانشمندان را محدود کند.

۱.۳.۱ زبان‌شناسی چیست؟

زبان‌شناسی مطالعه‌ی علمی زبان انسان است. این مطالعه می‌تواند نظری یا عملی باشد و کسی که زبان را به صورت علمی مطالعه می‌کند زبان‌شناس نامیده می‌شود. زبان‌شناسان روش‌های علمی را به کار می‌گیرند تا تحلیل‌های اسلوب‌دار از بیش از ۶۰۰۰ زبان جهان انجام بدهند: مشاهده می‌کنند، فرضیه‌ها را می‌آزمایند و نظریه‌ها را شکل می‌دهند. دغدغه‌ی آنها سه جنبه‌ی اصلی زبان است: ساختار، معنا و کاربرد.

- ساختار شامل مطالعه‌ی توالی واحدهای زبانی است که با یک‌دیگر ارتباطی دارند.
- معنا شامل مطالعه‌ی ایده‌هایی است که واحدهای زبانی بیان می‌کنند.
- کاربرد شامل مطالعه‌ی بافتی است که واحدهای زبانی در آن به کار رفته‌اند.

زبان‌شناسان مدرن علاقه‌منداند بدانند که زبان، در ذهن و در فرایندهای شناختی دخیل در فهم و تولید آن، چگونه ساماندهی می‌شود. می‌خواهند توصیف کنند که قوه‌ی زبانِ ذهن چگونه کار می‌کند. آنها الگوهای درون یک زبان را مشاهده و تلاش می‌کنند پی ببرند فهم و تولید آنها بر مبنای چه اصولی انجام می‌گیرد.

زبان‌شناسی را نباید با چندزبانگی خلط کرد، که توانایی صحبت به چندین زبان است. زبان‌شناس کسی است که زبان را مطالعه می‌کند، و لازم نیست به چندین زبان صحبت کند، مگر زبانی که برای برقراری ارتباط با دیگر زبان‌شناسان به کار می‌گیرد. به همین ترتیب، زبان‌شناسی رشته‌ای است مجزا از *فقه اللغة* که مطالعه‌ی تاریخ زبان، شامل منشأ و سیر تطور آن، است. زبان‌شناسی علم زبان است، مطالعه‌ی همزمان زبان؛ پدیده‌های زبانی را به صورت تجربی توصیف و تبیین می‌کند. زبان‌شناسی، برخلاف *فقه اللغة*، تعمیم‌هایی را شناسایی می‌کند که در تمامی زبان‌ها صادق‌اند. زبان‌شناسی با نقد ادبی نیز سرو کار ندارد که هنر یا عمل قضاوت و ابراز نظر درباره‌ی کیفیت و ماهیت آثار ادبی است. زبان‌شناسان منتقد ادبی نیستند؛ زبان‌شناسان واقعیت پاره‌گفته‌ها را توصیف می‌کنند، نه ارزش اخلاقی یا زیبایی‌شناختی آنها را. نکته‌ی آخر اینکه زبان‌شناسی را نباید با *کژفهمی* یکی گرفت که مجموعه قواعدی است درباره‌ی اینکه زبان را چگونه باید یا نباید به کار برد. زبان‌شناسی با مجموعه قواعدی سر و کار دارد که نحوه‌ی کاربرد بالفعل زبان را در برمی‌گیرند. در توصیف یک زبان، نباید یافته‌های مختص دیگر زبان‌ها، برای مثال لاتین [یا عربی (م.)]، را تحمیل کرد. در زبان‌شناسی، هر زبانی باید براساس مناسبات خود توصیف شود.

۱.۳.۲ چرا باید زبان‌شناسی را مطالعه کرد؟

مردم از زبان به دلایل مختلفی استفاده می‌کنند. مطالعه‌ی زبان‌شناسی مزایای متعددی دارد:

۱. مطالعه‌ی زبان‌شناسی به فهم زبان کمک می‌کند. کمک می‌کند جنبه‌های متنوع زبان را درک کنیم و بفهمیم که به چه طریقی می‌توان از زبان برای تسهیل ارتباط استفاده کرد. می‌توان عمیقاً درک کرد زبان چگونه معنی را منتقل می‌کند و مهارت‌های نوشتن، خواندن و صحبت کردن را با اطمینانی بیشتر فراگرفت.

۲. از طریق زبان‌شناسی، می‌توان دستور یک زبان را آموخت. درک اینکه چرا یک لفظ درست و دیگری نادرست تلقی می‌شود می‌تواند کمک کند که فرد نحوه‌ی بیان آرائش را انتخاب کند. دستور زبان به فرد کمک می‌کند توانایی‌اش در بیان افکار و آراء خود را بهبود بخشد، به طوری که نظر دیگر افراد را جلب کند.

۳. زبان‌شناسی بینارشته‌ای است. از حوزه‌های دیگر چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا عصب‌شناسی استفاده می‌کند تا مسائل زبان‌شناختی‌ای را حل کند که صرفاً از یک منظر قابل حل نیستند. از طریق مطالعات بینارشته‌ای می‌توان ارزش تلفیق مفاهیم رشته‌های مختلف را کشف کرد و راه‌حل‌های خلاقانه برای مشکلات چالش‌برانگیز را آموخت.

۴. زبان‌شناسی کاربردهای عملی دارد. راه‌حل‌هایی برای مسائل مربوط به تعلیم زبان، گفتاردرمانی و مستندسازی زبان ارائه می‌دهد. بینش‌های زبانی‌شناسی در تدریس زبان اول، دوم و خارجی، درمان کم‌توانی‌های زبانی، تحقیقات درباره‌ی جرایم و حفظ زبان‌های درخطر کمک می‌کنند.

۵. زبان‌شناسی شامل استفاده از روش‌های فنی هم هست. یک مثال آن زبان‌شناسی پیکره‌ای است، مطالعه‌ی زبان بر اساس مجموعه‌های بزرگ داده‌های زبانی واقعی: پیکره‌ها. مثال دیگر زبان‌شناسی رایانشی است، کاربرد دانش رایانه در تحلیل، تولید و درک زبان گفتاری و نوشتاری.

۱.۳.۳ محورها

وظیفه‌ی زبان‌شناس این است که با تحقیق در خصوص مؤلفه‌های اساسی یک زبان، پی ببرد که آن زبان چگونه کار می‌کند. این اجزا با هم کار می‌کنند تا ارتباط معنی‌دار میان افراد برقرار شود. هر مؤلفه نقشی حیاتی در شاکله‌ی کلیت زبان دارد. برای تسلط به یک زبان، باید این اجزا را آموخت:

- آواشناسی به دنبال فهم این است که اصوات کلام چگونه تولید می‌شوند.
- واج‌شناسی به دنبال فهم این است که اصوات کلام در زبان چگونه کار می‌کنند. درحالی‌که آواشناسی با ویژگی‌های فیزیکی صداها سروکار دارد، واج‌شناسی متوجه ویژگی‌های کارکردی آنهاست.
- صرف به دنبال فهم این است که واژه‌سازی چگونه عمل می‌کند؛ پیشوندها، پسوندها و میانوندها چگونه به واژه‌ها اضافه می‌شوند تا واژه‌های مشتق بسازند.
- نحو به دنبال فهم این است که کلمات چگونه کنار هم قرار می‌گیرند تا جمله را بسازند. درحالی‌که صرف متوجه این است که تکواژها چگونه کنار هم قرار می‌گیرند تا واژه‌ها را شکل دهند، نحو بررسی می‌کند که واژه‌ها چه‌طور در کنار هم جمله را می‌سازند.
- معنی‌شناسی به دنبال فهم این است که معنی چگونه در زبان رمزگذاری می‌شود.
- کاربردشناسی به دنبال فهم این است که بافت چگونه در خلق معنی دخیل است. درحالی‌که معنی‌شناسی بر معانی تحت‌اللفظی الفاظ متمرکز است، کاربردشناسی بر معانی غیرتحت‌اللفظی تمرکز دارد.

زبان‌شناسی، به‌عنوان مطالعه‌ی علمی زبان، ممکن است نظری باشد یا عملی که هر دو شامل چند رشته‌اند.

زبان‌شناسی نظری شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که در ذات زبان بشر بدون توجه به کاربرد عملی پژوهش می‌کند. دغدغه‌اش ساختن مدل‌هایی از دانش زبانی و درنهایت پدید آوردن نظریه‌ای در باب ساختار زبان است. هدف

زبان‌شناسی نظری کشف و توضیح اصول زیربنایی پایه‌ای است که سرشت زبان انسانی را می‌توان از طریق آنها تبیین کرد؛ مفاهیمی را تدارک می‌بیند که بر اساس آنها می‌توان یک زبان را تحلیل کرد. زبان‌شناسان ساختار زبان‌های طبیعی را بررسی می‌کنند تا به درک بهتری از این اصول برسند. دغدغه‌های خاص زبان‌شناسی نظری توصیف پدیده‌های زبانی، توضیح پیچیدگی‌های زبانی و فهم پایه‌ی شناختی زبان است. زبان‌شناسی نظری بر مؤلفه‌های مرکزی زبان تمرکز می‌کند: آواشناسی، واج‌شناسی، صرف، نحو، معنی‌شناسی و کاربردشناسی. زبان‌شناسی نظری را می‌توان به مطالعات رشته‌ای و بینارشته‌ای تقسیم‌بندی کرد.

مطالعات رشته‌ای فقط شامل یک رشته‌ی آکادمیک است و ممکن است پارادایم‌های نظری و مدل‌های دستوری را شامل شود. پارادایم‌های نظری از جمله حوزه‌های زیر را پوشش می‌دهند:

- زبان‌شناسی تطبیقی زبان‌ها را مطالعه می‌کند تا شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان را بیابد و به دسته‌بندی نظام‌مند برسد.
- زبان‌شناسی تاریخی تغییر زبان را طی زمان پی می‌گیرد.
- زبان‌شناسی ساختاری بر ساختار درونی زبان تمرکز دارد و کاری ندارد که زبان چگونه به جهان غیرزبانی مربوط می‌شود.
- زبان‌شناسی زایشی زبان را به دانش شهودی گویشوران و قابلیت‌های ذهنی بشر به صورت عام مربوط می‌داند.
- زبان‌شناسی نقشگرا ساختارهای زبانی را بازتاب الزامات گفتمانی می‌داند.
- زبان‌شناسی شناختی فرایندهای ذهنی دخیل در تولید ساختارهای زبانی را توصیف می‌کند.

این حوزه‌ها در فصل ۲ به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند.

- حوزه‌هایی که مدل‌های دستوری پوشش می‌دهند از جمله عبارت‌اند از: دستور تجویزی تصریح می‌کند گویشوران چگونه باید از زبان استفاده کنند.

- دستور توصیفی آشکار می‌کند که گویشوران چگونه از زبان استفاده می‌کنند.
 - دستور ساختاری زبان را به مثابه‌ی نظامی خودبسنده توصیف می‌کند که ساختارهای آن به یک‌دیگر مربوط‌اند.
 - دستور زایشی مجموعه‌قواعدی را تعریف می‌کند که جملات دستوری زبان را تولید می‌کند.
 - دستور نقشگرا کاربرد ساختارهای دستوری را به نقش‌هایی که در ارتباط ایفا می‌کنند مربوط می‌کند.
 - دستور شناختی کاربرد ساختارهای دستوری را به اصول شناختی عام نسبت می‌دهد.
- این حوزه‌ها در فصل ۳ به تفصیل تحلیل می‌شوند.
- مطالعات بینارشته‌ای شامل دو یا چند رشته‌ی آکادمیک است. حوزه‌هایی که در مطالعات بینارشته‌ای پوشش داده می‌شوند عبارت‌اند از:
- روان‌زبان‌شناسی فرایندهای دخیل در فراگیری، درک و تولید زبان در ذهن انسان را برجسته می‌کند.
 - عصب‌زبان‌شناسی بر سازوکارهای مغز انسان که تولید و درک زبان را کنترل می‌کنند تأکید دارد.
 - جامعه‌زبان‌شناسی بافت اجتماعی‌ای را که زبان در آن استفاده می‌شود می‌کاود.
 - مردم‌زبان‌شناسی بافت فرهنگی‌ای را بررسی می‌کند که زبان در آن به کار می‌رود.
 - زبان‌شناسی ادبی کاربرد زبان در متون ادبی را تحلیل می‌کند.
 - زبان‌شناسی حقوقی کاربرد زبان در متون حقوقی را بررسی می‌کند.
 - ژئوزبان‌شناسی بررسی می‌کند که چگونه تنوع در زبان از تفاوت‌های مکانی نشأت می‌گیرد.
 - بوم‌زبان‌شناسی بررسی می‌کند که ساختارهای زبان چگونه تأثیرات محیطی را بازمی‌تابانند.

جزئیات دقیق این حوزه‌ها در فصل ۴ می‌آید.

زبان‌شناسی عملی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که یافته‌های نظریه‌های زبان‌شناسی را برای بررسی مسائل واقعی مربوط به زبان به کار می‌گیرد. این شاخه به کارگیری بینش‌های زبان‌شناسی نظری در مسائل عملی است. برخلاف زبان‌شناسی نظری که می‌خواهد مجموعه‌ای منسجم از اصول مستقل را برای توضیح پدیده‌ها در زبان به دست بدهد، زبان‌شناسی عملی به این می‌پردازد که زبان‌شناسی را چگونه می‌توان در امور عملی به کار بست. هدف زبان‌شناسی عملی ترویج رویکردی اصولی برای دغدغه‌های مربوط به زبان است، از طریق ترغیب به تحقیق در کاربرد یافته‌های نظری در امور عملی، شامل تدریس زبان، برنامه‌ریزی زبانی، فراگیری زبان، رشد زبان، تعلیم زبان، و گفتاردرمانی.

زبان‌شناسی عملی را می‌توان به کاربردهای عملی و روش‌های فنی تقسیم‌بندی کرد.

- حوزه‌هایی که در کاربردهای عملی پوشش داده می‌شوند عبارت‌اند از:
- زبان‌شناسی کاربردی کاربرد دانش زبانی در تدریس زبان دوم یا زبان خارجی را توضیح می‌دهد.
- زبان‌شناسی مقابله‌ای تفاوت‌ها و شباهت‌های میان یک جفت زبان را برای شناسایی و حل مشکلات تحلیل می‌کند.
- تحلیل گفتمان توضیح می‌دهد که زبان، به صورت نوشتاری یا گفتاری، چگونه بین افراد به کار می‌رود.
- زبان‌شناسی متن روشن می‌سازد که زبان به صورت نوشتاری به چه طریقی به کار می‌رود.
- زبان‌شناسی رشد رشد توانایی زبانی در یک فرد، خصوصاً فراگیری زبان در کودکی، را مطالعه می‌کند.
- زبان‌شناسی بالینی کم‌توانی زبانی، خصوصاً در حوزه‌ی آسیب‌شناسی زبان - گفتار، را تدقیق می‌کند.

- زبان‌شناسی میدانی عبارت است از جمع‌آوری داده‌های مربوط به واقعیت‌های دستوری پایه‌ی زبانی کم‌مطالعه‌شده از گویشوران عادی در محیطی طبیعی.
 - زبان‌شناسی مستند سندی جامع از کنش‌های زبانی یک زبان در خطر فراهم می‌کند.
- در فصل ۵ جزئیات کامل این حوزه‌ها ارائه می‌شود.
- روش‌های فنی دو حوزه را پوشش می‌دهند:
- زبان‌شناسی پیکره‌ای ساختارهای زبانی را از طریق تحلیل پایگاه‌های بزرگ داده از نمونه‌های زبان در موقعیت‌های واقعی که در رایانه ذخیره شده‌اند بررسی می‌کند.
 - زبان‌شناسی رایانشی به کارگیری علوم رایانه برای تحلیل، تولید و درک زبان گفتاری و نوشتاری است.
- این دو روش با جزئیات در فصل ۶ بحث خواهند شد.

۱.۳.۴ مشخصه‌ها

زبان‌شناسی از علوم اجتماعی است؛ مانند روان‌شناسی، علوم سیاسی یا جامعه‌شناسی. زبان‌شناسان روش‌های علمی را برای بررسی سرشت و کارکرد زبان به کار می‌گیرند. آنها صورت زبان، معنای زبان و زبان در بافت را بررسی می‌کنند.

زبان‌شناسی به دلیل سه مشخصه‌ی کلیدی‌اش واجد شرایط علم بودن است:

۱. صراحت: مسأله را به صورت عمومی طرح می‌کند، مفروضات احتمالی‌اش را روشن بیان می‌کند، اصطلاحات را به وضوح و یکدست تعریف می‌کند، اجازه‌ی طرح گفته‌های متناقض را نمی‌دهد، گزاره‌های موجز بیان می‌کند و کمترین تعداد مفاهیم یا نمادها را به کار می‌گیرد.

۲. نظام‌مندی: تحقیقات را براساس برنامه‌ای دقیق و به‌صورتی کامل انجام می‌دهد: با اتخاذ چارچوب توصیفی بی‌تناقض در تمام طول کار، تحلیل مطالب با پیروی از رویه‌های معین روشمند و آزمودن فرضیه‌ها.
۳. عینیت: داوری براساس واقعیات و شواهد است و نه گمان یا شهود. زبان‌شناسی تجربی است. داده‌های به‌دست‌آمده از مشاهده‌ی دقیق یا آزمایش راستی‌آزمایی می‌شوند تا معلوم شود که صحیح و معتبرند.

۱.۴ خلاصه

این فصل به زبان و زبان‌شناسی پرداخت. در معنی عام، زبان وسیله‌ای نظام‌مند برای ارتباط انسانی است که با استفاده از صدا، حرف و علامت به طرق متعارف تحقق می‌یابد. زبان آهسته ولی پیوسته در تغییر است. هیچ زبانی از زبان دیگر بهتر نیست. زبان نمادین است؛ یعنی معنی‌ها به صورت‌ها الصاق می‌شوند. زبان‌ها از طریق وام‌گیری واژگان همواره بر یک‌دیگر تأثیر می‌گذارند. پنج صفت بارز زبان انسان: دلبخواهی بودن، قابل انتقال بودن، دوگانگی، جابه‌جایی، و خلاقیت.

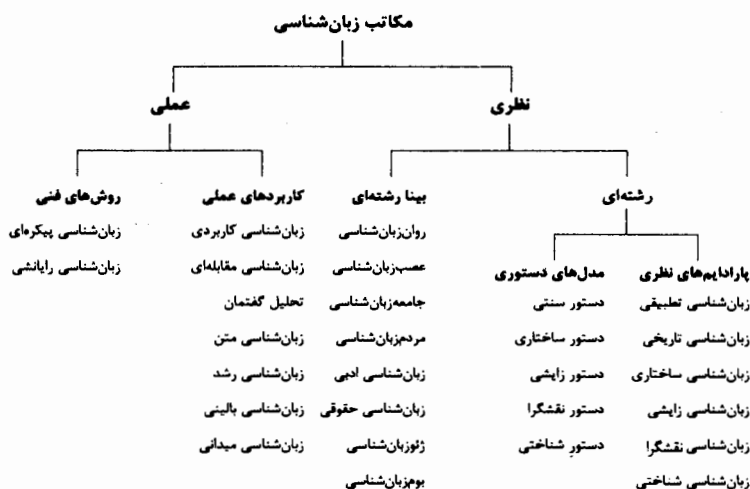
زبان‌شناسی مطالعه‌ی علمی زبان است؛ اینکه چه‌طور ساخته می‌شود و چگونه کار می‌کند. زبان‌شناسی بینشی درخصوص ویژگی بنیادین انسان بودن — توانایی ارتباط به‌وسیله‌ی زبان — در اختیار قرار می‌دهد. زبان‌شناسی در درجه‌ی اول با زبان به‌صورت فی‌نفسه و یافتن راه‌هایی برای تحلیل آن سروکار دارد. زبان‌شناسی را می‌توان به سه زیرشاخه‌ی اصلی مطالعاتی تقسیم کرد: صورت زبان، معنای زبان، کاربرد زبان.

تحقیق زبان‌شناختی به دو شاخه‌ی اصلی تقسیم می‌شود: نظری و عملی. این دو از سه منظر با هم متفاوت‌اند:

۱. کار زبان‌شناسی نظری پدید آوردن نظریه‌هایی درخصوص زبان بر پایه‌ی نگاهی آرمانی‌شده به زبان است. این شاخه کمک می‌کند معلوم شود که چرا فرضی کار می‌کند و دیگری کار نمی‌کند. زبان‌شناسی عملی، درمقابل، درباره‌ی استفاده از دانش نظری در مسائل مربوط به زبان است. این شاخه به سامان دادن پدیده‌های زبانی گوناگون کمک می‌کند.

۲. زبان‌شناسی نظری تعمیم‌پذیری را هم درون یک زبان خاص و هم میان زبان‌ها کشف می‌کند. این شاخه تلاش می‌کند ویژگی‌های همه‌ی زبان‌های ممکن را توجیه کند. زبان‌شناسی عملی، درمقابل، از یافته‌های رویکردهای نظری برای تحلیل زبان در حوزه‌های گوناگون استفاده می‌کند.

۳. زبان‌شناسی نظری زبان را به‌صورت انتزاعی بررسی می‌کند. تحلیل‌هایی از زبانی خاص بر پایه‌ی روش‌شناسی علمی استاندارد ارائه می‌دهد که با مشاهده‌ی کاربرد زبان در گفتمان عادی شروع می‌شود. زبان‌شناسی عملی، درمقابل، زبان را در بافت بررسی می‌کند و تأکیدش بر کاربرد روزمره‌ی زبان است.



شکل ۱.۱ مکاتب تفکر زبان‌شناختی

پرسش‌ها

۱. زبان چیست؟ چه نقشی در زندگی انسان بازی می‌کند؟
۲. چه تمایزی میان گفتار و نوشتار هست؟
۳. چه ویژگی‌هایی زبان را از دیگر صورت‌های ارتباطی متمایز می‌کند؟
۴. زبان‌شناسی چیست؟ از چه نظر علم تلقی می‌شود؟
۵. منافع‌های اصلی مطالعه‌ی زبان‌شناسی را چه می‌دانید؟